

به همزمان

معرض،

جان برکف،

آهنین عزم و

پرخروش در

خیابان ها!



قیام ما یکی از شکوهمندترین خیزش ها است، اما این خیزش پرشکوه، کاستی ها، پاشنه آشیلها و حلقه های سست مهلک دارد، تاریخ مبارزه طبقاتی با رساترین صدا در شعور ما آژیر می کشد که باید این کمبودها، ضعفها را برطرف کنیم، ما به درستی فریاد می زنیم که «جمهوری اسلامی» باید سرنگون شود» تا اینجا محل حرف، شک،

////////////////////  
کارگران ضد سرمایه داری / شهریور ۱۴۰۱  
////////////////////

تأمل نیست، رژیم اسلامی جرثومه پلید قدرت فاشیستی، دینی، کشتار سرمایه داری است، باید در همان لحظه زایش سرنگون می شد، قیام ما در این رویه عروج، این بخش مانیفست خود ستایش انگیز است، اما ما فقط برای ساقط کردن جمهوری اسلامی وارد کارزار نشده ایم، علیه کل آپارتاید وحشیانه جنسیتی، فقر، فلاکت، ستمکشی، گرسنگی، قتل عام، محرومیت از دکتر، دارو، درمان، علیه زندان، شکنجه، اعدام، گورخوابی، بی سرپناهی، آلودگیهای زیست محیطی، بی آبی، حاشیه نشینی، خرابه زیستی، حقارت، ذلت، علیه کل این اینها دست به شورش زده ایم، خواستار محو همه اینها هستیم، آهنگ سرنگونی رژیم حاکم نموده ایم، به این دلیل که قدرت پاسدار این وضع و بانی بقای این دردها، رنجها، سیاه روزیها است. آنچه به قیام ما معنی و شکوه می بخشد، آنچه ما را در این خیزش پرشکوه، همصدا، همرمز، می کند، طغیان علیه اساس این وضعیت، علیه شالوده وجود این سیاه روزی ها است، بر همین مبنی کمترین عقل سلیم، کارگری، انسانی به ما اخطار می دهد که باید جنبش را از سطح زد و

خوردهای محدود رژیم ستیزانه فراتر بریم، وارد میدانهای واقعی کارزار شویم، اگر چنین نکنیم، شکست می خوریم، حتی پیروزی صوری ما شکست استراتژیک ما خواهد بود، کمالینکه بیست و دوم بهمن ۵۷، نه روز پیروزی خیزش پرشکوه سالهای ۵۶ و ۵۷ ما که لحظه شکست دردناکش بود. اگر قیام شکوهمند حاضر را به جنگ طبقاتی برای کندن ریشه واقعی گرسنگی، ستمکشی، تبعیضات هول آور جنسیتی، شکنجه، اعدام، بی سرپناهی، بی داروئی، آلودگیهای زیست محیطی ارتقاء نبخشیم، به همان ورطه سقوط می کنیم، یک بار دیگر رژیمی انسان ستیز را ساقط و رژیمی هارتر را بر سر کار می آریم. اگر بناست چنین نشود و به چنین دره ای سقوط نکنیم باید هر چه آگاه تر، بیدارتر، هشیارتر انجام فوری فعالیت های زیر را دستور کار سازیم.

۱ - چرخ کار و تولید را در کل مراکز کار از چرخش فرو اندازیم، نظم اقتصادی، سیاسی، اداری سرمایه را درهم کوبیم.

۲ - در کلیه مراکز کار، محله ها، شهرها، روستاها، هر کجا زندگی، تولید، کار، پیکار جاری است دست به کار برپائی شوراها گردیم، شوراها را به هم پیوند زنیم، یک جنبش شورائی، سراسری، ضد سرمایه داری به وجود آریم.

۳ - جنبش شورائی را تجلی صف آرائی قدرت پیکار خود سازیم، مراکز کار و تولید، شبکه حمل و نقل زمینی، هوائی، دریائی، بنادر، اسکله ها را در تصرف آریم، مستغلات خالی سرمایه داران را مصادره و محل سکونت بی سرپناهان سازیم، فروشگاههای زنجیره ای را از چنگ سرمایه داران، دولت، سپاه، آستان قدس، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، سازمان تأمین اجتماعی خارج و محل توزیع رایگان مایحتاج زندگی، رفاهی شهروندان کنیم. به برنامه ریزی کار، تولید، توزیع، امور زندگی، واردات، صادرات پردازیم، سرنوشت کار، تولید و زندگی را از چنگال طبقه سرمایه دار و دولتش خارج کنیم و به قدرت سازمان یافته، شورائی و سرمایه ستیز خود بسپاریم. از پرداخت هر نوع هزینه آب، برق، گاز، مهد کودک، آموزش، درمان، سرباز زنیم، ما توانائی این کارها را داریم، قدرت تاریخساز ما، درست در این بسترها، میدانها، سنگرها است که امکان ظهور، بالندگی، بلوغ و میدانداری می یابد، اگر وارد این عرصه ها نشویم، دچار شکست می شویم. حتی یک ساعت دیگر دیر است، از همین لحظه دست به کار رفع کمبودهای اساسی جنبش خود گردیم.

**باید جنبش را**

**از سطح زد و**

**خوردهای محدود**

**رژیم ستیزانه فراتر**

**بریم، وارد میدانهای**

**واقعی کارزار شویم**